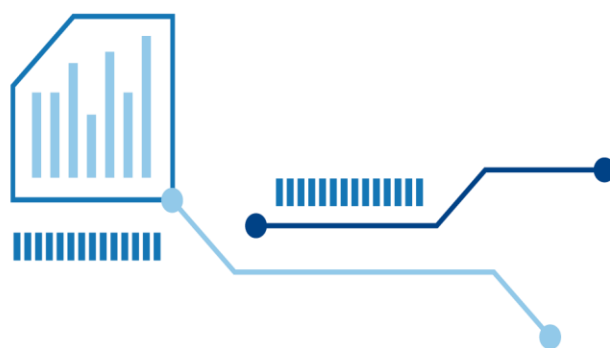




اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

TEHRAN CHAMBER OF COMMERCE,
INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE



گزارش‌های

منتخب دی ۱۴۰۲

معاونت بررسی‌های اقتصادی



معاونت بررسی های اقتصادی با هدف اطلاع رسانی و ارتقاء سطح آگاهی های فعالان بخش خصوصی و با به کارگیری ظرفیت های نخبگان، دانشگاه ها و موسسات تحقیقاتی، در راستای دستیابی به اهداف بلندمدت اتاق بازرگانی تهران در زمینه های گوناگون اقتصادی از جمله مسائل اقتصاد کلان، محیط کسب و کارها و تجارت بین الملل به طور مستمر اقدام به انتشار گزارش ها و پژوهش های اقتصادی با استفاده از داده ها و اطلاعات منابع معتبر رسمی داخلی و بین المللی می کند.

اتاق بازرگانی تهران به منظور بهبود کمی و کیفی گزارشات خود از نظرات، امتیادات و پیشنهادات مخاطبین استقبال می نماید.

- اقتصادی (شماره ۱) ۴
- بررسی نسبت های تحلیلی در قوانین و لایحه بودجه عمومی طی دو دهه گذشته ۵
- تجارت چند جانبه در قلب آسیا (ایران، افغانستان، پاکستان) ۸
- سیاست های صنعتی جدید؛ رویارویی با چالش های جهانی و حرکت در مسیر تحقق اهداف توسعه صنعتی ۱۰
- هوشمندی سازی صنعت حمل و نقل دریایی؛ بنادر هوشمند ۱۲
- نگاهی بروضعیت کسب و کار های خانوادگی در جهان و عوامل موثر بر رشد ارزش آن ها ۱۵



معاونت بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، در راستای افزایش آگاهی فعالان بخش خصوصی به ویژه هیات نمایندگان محترم اتاق، اقدام به گردآوری و تنظیم نوشتار حاضر نموده است. اطلاعات این نوشتار، بر اساس تازه‌ترین آمارهای اقتصادی منتخب و با تکیه بر منابع رسمی داخلی و بین‌المللی گردآوری و تنظیم شده و امید است مورد توجه و بهره‌برداری خوانندگان محترم قرار گیرد.

در این گزارش به وضعیت بخش‌های کشاورزی، صنعت و معدن، خدمات، بازرگانی خارجی، نوآوری، حکمرانی، انرژی و محیط زیست، ساختمان و مسکن، شاخص‌های قیمت، بازار پول و سرمایه، حمل‌ونقل و اقتصاد سلامت پرداخته شده است.

۲ بررسی نسبت‌های تحلیلی در قوانین ولایحه بودجه عمومی طی دو دهه گذشته



بودجه عمومی کشور به عنوان یکی از مهمترین اسناد اقتصادی و مالی معین می‌کند که دولت چه منابعی از کشور و چه مقدار از این منابع را در کجا و برای چه اهدافی هزینه کند. بر این اساس، در این گزارش ضمن بررسی روند بودجه عمومی و منابع و مصارف آن در طول دو دهه گذشته، از نسبت‌هایی برای تحلیل وضعیت استفاده شده که نتایج زیر حاصل شده است. شایان ذکر است این گزارش، عملکرد بودجه عمومی را دربر نمی‌گیرد و صرفاً اجزای اصلی تراز عملیاتی در قوانین و لایحه بودجه ۳ را مورد بررسی قرار داده است.

بودجه عمومی کشور در طول دو دهه گذشته روند افزایشی داشته و به خصوص در چهار سال گذشته این روند با جهش‌هایی بزرگ همراه بوده که هم متأثر از متغیرهای اقتصاد کلان همچون نرخ تورم بوده و هم بر این متغیرها تاثیر گذاشته است. روند رشد واقعی بودجه نیز نشان‌دهنده نوسانات شدید در طول سال‌های مورد بررسی است. نکته قابل توجه در این خصوص جهش‌های بسیار بالای رشد واقعی بودجه در سال‌های پایانی ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵ است.

در طول دو دهه گذشته، از یک طرف رشد درآمدهای دولت افزایش پیدا کرده که عمدتاً از طریق افزایش مالیات بوده و از سوی دیگر رشد واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای که عمدتاً مبتنی بر فروش نفت خام است و همچنین واگذاری دارایی‌های مالی که مبتنی بر فروش اوراق مالی و اسلامی است، پرنوسان و اغلب با جهش‌های مثبت و بزرگ همراه بوده است. جهش واگذاری‌های دارایی‌های سرمایه‌ای در سال‌های اخیر به معنای استفاده از منابع حاصل از فروش نفت در بودجه و جهش واگذاری دارایی‌های مالی به معنای افزایش حجم انتشار اوراق یا استقراض بیشتر و به معنای استفاده از منابع آیندگان و بار مالی بیشتر دولت در سال‌های آتی خواهد بود.

روند رشد تملک دارایی‌های سرمایه‌ای یا بودجه عمرانی نزدیک به صفر و حتی در سال‌های اخیر کاهش یافته است. در حالی که مخارج سرمایه‌گذاری دولت به عنوان موتور محرک رشدهای آتی در شرایط رکود اقتصادی یکی از وظایف مهم و

^۲ برای دریافت فایل کامل گزارش بر روی عنوان گزارش کلیک نمایید

^۳ برای سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۲ از اطلاعات قانون بودجه و برای سال ۱۴۰۳ از اطلاعات اولین لایحه بودجه تقدیمی به مجلس در سال ۱۴۰۲ استفاده شده است.

کارکردهای الزام‌آور در بودجه است، در بودجه سال‌های اخیر برای رقم تملک دارایی‌های سرمایه‌ای رشد قابل توجهی پیش‌بینی نشده است و این موضوع چشم‌انداز مطلوبی از سرمایه‌گذاری در کشور ارائه نمی‌دهد.

رشد مصارف بودجه عمومی دولت بخصوص در بخش تملک دارایی‌های مالی که به معنای انتشار اوراق برای تامین منابع بودجه است، بسیار پر نوسان و در برخی از سال‌ها با جهش‌های شدیدی همراه بوده است.

تراز عملیاتی شاخصی برای کیفیت تأمین منابع مالی برای پرداخت هزینه‌های جاری دولت است و کسری آن بدین معناست که دولت نمی‌تواند هزینه‌های جاری خود را از قسمت درآمدها جبران کند. این ناترازی در طی دو دهه گذشته بخصوص در پایان سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۳ (لایحه بودجه) بسیار زیاد بوده است.

خالص دارایی‌های سرمایه‌ای در طول سال‌های گذشته مثبت بوده و بخصوص در انتهای سال ۱۳۹۹ با جهش‌های بسیار بزرگی همراه بوده است که نشان می‌دهد فروش دارایی‌های سرمایه‌ای بخصوص فرآورده‌های نفتی صرف بودجه عمرانی نمی‌شود و به جای آن کسری تراز عملیاتی را پوشش می‌دهد که عمدتاً برای تامین هزینه‌های جاری استفاده می‌شود. همچنین مثبت بودن خالص دارایی‌های مالی نشان می‌دهد که استقراض از طریق فروش اوراق نیز برای جبران کسری تراز عملیاتی استفاده می‌شود.

شاخص نسبت درآمدها به پرداخت‌های هزینه‌ای (هزینه‌های جاری) نشان‌دهنده میزان پوشش هزینه‌های جاری از طریق درآمدهای جاری است که در واقع کاهش وابستگی به درآمدهای نفت و گاز و درآمدهای حاصل از واگذاری دارایی‌های مالی را نشان می‌دهد. این نسبت در طول دو دهه گذشته گویای این واقعیت است که درآمدهای دولت همواره کمتر از هزینه‌های جاری بوده است و از این رو برای تامین هزینه‌های جاری به درآمدهای نفت و گاز و انتشار اوراق وابسته بوده است.

شاخص نسبت تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به فروش نفت خام نشان‌دهنده رویکرد دولت در هزینه‌کرد درآمدهای نفتی در پروژه‌های عمرانی است.

شاخص نسبت تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به پرداخت‌های هزینه‌ای به معنای رویکرد دولت در توجه بیشتر به هزینه‌های عمرانی نسبت به هزینه‌های جاری است. این نسبت در طول سال‌های گذشته همواره کاهش یافته بوده که می‌تواند عوارض بلند مدتی در کمیت و کیفیت پروژه‌های عمرانی داشته باشد.

شاخص نسبت مجموع درآمدها و واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای به مجموع پرداخت‌های هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، پوشش‌دهی بخش قابل ملاحظه‌ای از هزینه‌های جاری و هزینه‌های عمرانی را از طریق درآمدهای مالیاتی و درآمدهای نفتی نشان می‌دهد. در واقع، این شاخص وابستگی بودجه عمومی دولت به انتشار اوراق را نشان می‌دهد که در طول سال‌های گذشته این وابستگی افزایش پیدا کرده است.

شاخص سهم درآمدهای مالیاتی از منابع عمومی بودجه دولت، اولویت‌دهی بیشتر دولت به درآمدهای مالیاتی برای تامین بودجه عمومی را نشان می‌دهد. این سهم در طول سال‌های مورد بررسی با افزایش همراه بوده است. با این حال به دلیل

اینکه سهم زیادی از تولید ناخالص داخلی ایران معاف از مالیات است بررسی این موضوع بسیار حائز اهمیت است که افزایش درآمدهای مالیاتی از چه بخش‌ها و گروه‌هایی از جامعه اخذ می‌شود چرا که در صورت عادلانه نبودن نرخ و پایه مالیاتی، افزایش درآمدهای مالیاتی می‌تواند به افزایش ضریب جینی منجر شود و نه تنها باعث توسعه کشور نمی‌شود، بلکه ضد توسعه نیز خواهد بود.

شاخص نسبت مالیات‌ها به پرداخت‌های هزینه‌ای به دلیل اثرپذیری کمتر از متغیرهای برون‌زا، سنجش بهتری از عملکرد بودجه‌ای دولت است (درآمدهای مالیاتی از کل منابع بودجه متأثر از عوامل برونزای اثرگذار بر درآمدهای نفتی (مانند نوسانات قیمتی و یا تحریم‌ها) نیز هست). این نسبت در چند سال گذشته با افزایش همراه بوده است.

شاخص نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی به جهت نمایان کردن پتانسیل وضع مالیات در ارتباط با اقتصاد، تصویری سودمند از درآمد مالیاتی یک کشور فراهم می‌کند. در طول دو دهه گذشته این نسبت برای اقتصاد ایران حدود ۶ درصد بوده است؛ میانگین این نسبت برای اقتصادهای در حال توسعه و نوظهور ۱۵ درصد و برای اقتصادهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، حدود ۳۴ درصد است.

شاخص سهم مالیات بر ارزش افزوده از کل درآمدهای مالیاتی با اثرات سوء اقتصادی کمتر (اثرات قیمتی و توزیعی) در مقایسه با سایر مالیات‌های غیرمستقیم و در عین حال اثرات درآمدی بالا به دلیل گسترده بودن پایه این نوع مالیات، بدون تردید می‌تواند به عنوان منبع اصلی درآمد دولت‌ها محسوب شود. این نسبت علیرغم روند افزایشی طی دو دهه گذشته، در چهار سال گذشته کاهش یافته است.

شاخص فروش نفت خام به مجموع پرداخت‌های هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای وابستگی هزینه‌های جاری و عمرانی دولت‌ها به درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام را نشان می‌دهد. همچنین در سال ۱۳۹۸ و سال‌های پس از آن، کاهش این وابستگی به خاطر تحریم‌ها و کاهش صادرات نفت اتفاق افتاده است.

تجارت چندجانبه در قلب آسیا (ایران، افغانستان، پاکستان)



در سال ۲۰۲۲، اقتصاد پاکستان عملکرد بهتری نسبت به افغانستان و ایران داشته است. رشد اقتصادی این کشور در سال گذشته، نسبت به دو کشور دیگر بالاتر و نرخ تورم آن نیز در مقایسه با ایران و افغانستان پایین تر بوده است.

تجارت ایران با افغانستان برای دومین سال پیاپی در سال ۱۴۰۱ با کاهش ۹.۶ درصدی نسبت به سال ۱۴۰۰ همراه بوده است که دلیل آن را می توان کاهش صادرات (۱۰.۲ درصد) به این کشور، علیرغم افزایش واردات (۳۹.۳ درصد) از آن عنوان نمود.

تجارت ایران و پاکستان در سال ۱۴۰۱ با سرعت بیشتری نسبت به سال ۱۴۰۰ افزایش یافته و به حدود ۲.۵ میلیارد دلار رسیده است (افزایش ۵۹.۱ درصد). عامل اصلی افزایش تجارت با پاکستان، افزایش حدود سه برابری واردات ایران از این کشور با مشارکت ۴۴ واحد درصد بوده است.

عمده کالاهای صادراتی ایران به افغانستان و پاکستان را در سال ۱۴۰۱، «سایر روغن های سبک و فرآورده ها بجز بنزین»، «روغن و سایر محصولات به دست آمده از تقطیر قطران های زغال سنگ»، «سایر هیدروکربورهای حلقوی»، «سایر گازهای نفتی و هیدروکربورهای گازی»، «قیرنفت» و «شیر خشک صنعتی از گاو» تشکیل می دهند.

عمده کالاهای وارداتی ایران از افغانستان و پاکستان نیز در سال مذکور، «سرب تصفیه شده»، «سایر دانه های آفتابگردان»، «سایر نباتات و اجزاء آن ها مورد مصرف در عطر سازی و داروسازی»، «برنج کامل سفیدشده صیقلی یا براق شده»، «برنج نیمه سفید شده» و «دانه کنجد به استثنای بذر آن» هستند.

با توجه به توان رقابت پذیری ایران در بازار برخی محصولات وارداتی کشورهای افغانستان و پاکستان، تامین نیازهای وارداتی این دو کشور با هدف افزایش سهم بازار ایران، تحت دو سناریو به شرح ذیل قابل طرح است:

در سناریوی اول، ایران می‌تواند حدود ۱۶۴ میلیون دلار بیشتر در تامین نیازهای وارداتی پاکستان نقش داشته باشد که در این صورت می‌تواند سهم خود در بازار پاکستان را از ۱.۲ درصد به ۱.۴ درصد افزایش دهد.

در سناریوی دوم، ایران می‌تواند حدود ۳۰۶ میلیون دلار بیشتر در تامین نیازهای وارداتی افغانستان نقش داشته باشد که در این صورت می‌تواند سهم خود در بازار افغانستان را از ۱۸.۵ درصد به ۲۳ درصد برساند.

سیاست‌های صنعتی جدید؛ رویارویی با چالش‌های جهانی و حرکت در مسیر تحقق اهداف توسعه صنعتی



نتایج تجزیه و تحلیل آخرین آمارهای موجود در خصوص شاخص‌های توسعه پایدار نشان می‌دهد پیشرفت جهانی به سمت اهداف توسعه پایدار مرتبط با صنعت بسیار کند بوده، پیشرفت قبل از کووید نیز به طرز ناامیدکننده‌ای به آهستگی پیش رفته و برخی از این اهداف با همه‌گیری کووید ۱۹ از مسیر خارج شده است. به‌ویژه کشورهای در حال توسعه ۸۰ درصد از اهداف مرتبط با نوآوری برای سال ۲۰۳۰ عقب مانده‌اند، لذا لازم است در سه حوزه کلیدی انرژی‌های پاک، مشاغل مناسب و نوآوری، توجه ویژه‌ای شود. با توجه به اینکه سالانه تنها ۰.۳۳ درصد از شکاف موجود به سمت اهداف توسعه پایدار کاهش یافته است، بنابراین حتی با بازگشت به روندهای قبل از پاندمی، دستیابی به این اهداف با سرعت فعلی دور از انتظار خواهد بود.

در این گزارش بر نقش محوری بخش صنعت در ارائه راه‌حل‌های توسعه پایدار، با توجه به تأثیر آن بر اهداف اجتماعی و زیست محیطی تأکید شده است. صنعتی شدن پایدار شامل مبارزه با تغییرات آب‌وهوایی، تسریع رشد اقتصادی و ایجاد میلیون‌ها شغل مناسب و در عین حال بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته است. توجه به این نکته حائز اهمیت است که هر شغل در بخش صنعت به‌طور متوسط ۲.۵ شغل در سایر بخش‌های اقتصاد ایجاد می‌کند.

بخش صنعت در مقایسه با سایر بخش‌ها به طور قابل توجهی به نوآوری سبز نیز کمک می‌کند به طوری که ۶۰ درصد از کل پتنت‌های سبز در جهان در اختیار شرکت‌های صنعتی است. بنابراین تسریع توسعه صنعتی پایدار برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار حیاتی است.

اهداف توسعه پایدار، مجموعه‌ای از ۱۷ هدف جهانی به هم پیوسته است که به منظور ارائه برنامه‌ای منسجم برای دستیابی به آینده بهتر و پایدارتر برای همه، توسط سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵ طراحی شده‌است. اهداف توسعه پایدار که به‌عنوان اهداف جهانی نیز شناخته می‌شوند، فراخوانی جهانی برای اتخاذ و اجرای سیاست‌هایی است که با هدف پایان دادن به فقر، حفاظت از کره زمین و برخورداری از صلح و رفاه برای همه مردم جهان تا سال ۲۰۳۰، طراحی شده است.

این اهداف در سال‌های ۲۰۱۷، ۲۰۱۸ و ۲۰۲۰ مورد ارزیابی قرار گرفته است. در آخرین نسخه این گزارش که در سال ۲۰۲۳ توسط بانک جهانی منتشر شده است به تبعات همه‌گیری کووید ۱۹ و اثرات گسترده آن بر اهداف توسعه پایدار پرداخته شده است. پاندمی کووید ۱۹ باعث شده است ۴۸ درصد از اهداف توسعه پایدار از مسیر اصلی خود خارج شده، ۳۷ درصد اهداف دچار رکود یا پسرفت شده و تنها ۱۵ درصد از اهداف در مسیر اصلی خود در حال پیشرفت باشد. در ادامه به بررسی آخرین وضعیت این اهداف ۱۷ گانه در سراسر جهان و همچنین ایران پرداخته شده و پس از آن به نقش کلیدی بخش صنعت در تحقق این اهداف و ضرورت‌های برنامه‌های آتی توسعه صنعتی اشاره شده است.

در این گزارش سه عنصر مهم زیر برای موفقیت سیاست‌های صنعتی جدید مبتنی بر تحولات جهانی شناسایی شده است:

- نیاز به یک دولت توانمند
- تامین مالی مناسب
- اجماع گسترده اجتماعی

یک سیاست صنعتی مدرن که تمام این مواد را با هم ترکیب کند، قادر خواهد بود فرصتی برای بالفعل کردن پتانسیل کامل صنعت و سرعت بخشیدن به اهداف توسعه پایدار فراهم را فراهم کند. اجتماع بین‌المللی نیز می‌تواند نقش کلیدی در حمایت از کشورها برای تحقق این امر ایفا کند.

هوشمندی صنعت حمل و نقل دریایی؛ بنادر هوشمند^۶



حمل و نقل به عنوان یکی از پایه‌های اصلی توسعه پایدار و متوازن، با مؤلفه‌های مهمی همچون رشد اقتصادی، امنیت و عدالت اجتماعی ارتباط تنگاتنگی دارد و توسعه این بخش یکی از محورهای کلیدی رشد و پیشرفت اقتصادها به حساب می‌آید. رشد و توسعه تکنولوژی به ویژه تحولات چشمگیر فناوری‌های نسل چهارم اقتصاد دیجیتال، ضرورت هوشمندسازی بخش‌های مختلف اقتصادی برای پذیرش تحولات آتی را بیش از پیش ضروری می‌نماید.

صنعت حمل و نقل در ایران در همه گونه‌های آن به دلیل عدم مدیریت یکپارچه، غیر اقتصادی بودن و بهره‌وری پایین آن بسیار آسیب‌پذیر است. این صنعت در حال حاضر با مشکلات فراوانی هم در بخش زیرساخت و هم در بخش‌های ناوگان و اجرا روبه‌رو است که برطرف کردن این نقاط ضعف نیازمند نگرش جامع به این حوزه با تمرکز بر ورود فناوری‌های نوین و مدیریت بهینه است.

بنادر هوشمند به سرعت در حال تبدیل شدن به یک جزء حیاتی از زیرساخت‌های لجستیک مدرن هستند که موجب جابجایی کارآمدتر محموله و بهبود جریان ترافیک می‌شوند. با رشد اقتصاد جهانی، بنادر هوشمند برای مشاغلی که به حمل و نقل کارآمد متکی هستند، به طور فزاینده‌ای حیاتی خواهند شد.

^۶ برای دریافت فایل کامل گزارش بر روی عنوان گزارش کلیک نمایید

بندر هوشمند یک مرکز خودکار است که از فناوری دیجیتال برای بهبود کارایی و کاهش هزینه ها استفاده می کند. با گنجاندن فناوری های هوشمند در فرآیندهای مختلف عملیات بندری، کسب و کارها می توانند از مزایای متعددی از جمله افزایش ایمنی، امنیت و پایداری برخوردار شوند. علاوه بر این، بنادر هوشمند اغلب قابلیت های بهبود یافته مدیریت داده و ردیابی را ارائه می کنند که می تواند به کسب و کارها کمک کند تا عملیات خود را ساده تر کنند و اتکای خود را به سوابق کاغذی کاهش دهند. بنادر هوشمند نقش مهمی را در زنجیره تامین جهانی ایفا خواهند کرد.

مزایای هوشمندسازی حمل و نقل دریایی:

ارتقای رقابت پذیری: حمل و نقل هوشمند با فعال کردن کشتی ها برای دریانوردی مؤثرتر، می تواند بخش دریایی را رقابتی تر و در نتیجه جذاب تر کند. به عنوان مثال، سیستم های دیجیتال پیشرفته می توانند اطمینان حاصل کنند که اعضای خدمه تا حد امکان به طور مؤثر مستقر شده و از وظایف خود را به درستی بر عهده می گیرند. کشتی ها همچنین می توانند با تطبیق سرعت خود و دریافت داده های ناوبری دقیق تر از ظرفیت آبراه استفاده بهتری کنند.

ارتقای بهره وری: بهره وری بیشتر، هزینه های حمل و نقل را کاهش می دهد و در داخل صنعت، رقابت را در مقایسه با حمل و نقل جاده ای و ریلی افزایش می دهد.

ارتقای امنیت: سیستم های هشدار و ناوبری هوشمند به کاپیتان در کشتیرانی ایمن تر، کمک می کند. این امر کار روی کشتی و در امتداد آبراه را ایمن تر و قابل کنترل تر می کند. حمل و نقل هوشمند می تواند احتمال تصادفات ناشی از خطای انسانی را کاهش دهد.

حمل و نقل پایدارتر: با فناوری های حمل و نقل هوشمند، کشتی ها می توانند در مصرف سوخت صرفه جویی کنند و در نتیجه پایدارتر حرکت کنند. به عنوان مثال، این سیستم می تواند طرح ناوبری را با زمان باز و بسته شدن قفل ها و پل ها هماهنگ کند و فضای پهلوگیری موجود در بندرها و پایانه های بندری را در نظر بگیرد. با استفاده از داده های محیطی دقیق تر (عمق، جریان و باد) یک کشتی می تواند سرعت خود را طوری تنظیم کند که سوخت کمتری مصرف کند.

پیش‌بینی می‌شود که بازار جهانی حمل‌ونقل هوشمند دریایی تا سال ۲۰۲۷ از ۱.۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ با رشد سالانه مرکب ۲۴.۳ درصد به ۵.۷ میلیارد دلار برسد. مزیت رشد بازار حمل‌ونقل هوشمند دریایی را می‌توان به نیاز روزافزون به افزایش کارایی عملیات بندری و کاهش ردپای کربن و همچنین ابتکارات دولت‌ها در توسعه زیرساخت‌های بنادر هوشمند، ارتقای بنادر موجود و توسعه بنادر جدید در پاسخ به تقاضای فزاینده برای بنادر هوشمند در آینده نسبت داد. آسیا و اقیانوسیه بیشترین سهم از بازار بنادر هوشمند را در سال ۲۰۲۱ به خود اختصاص داده‌اند. بر اساس پیش‌بینی‌ها انتظار می‌رود اروپا دومین بازار سریع‌الرشد بنادر هوشمند در طول دوره پیش‌بینی (۲۰۲۲ تا ۲۰۲۷) باشد.

برنامه‌های نرم‌افزار دریایی، شرکت‌های کشتیرانی را قادر می‌سازد تا کارایی عملیاتی را بهبود بخشند و داده‌های دقیقی را بین کشتی و مرکز ارائه دهند تا نیاز به همگام‌سازی دستی بین دو مکان از بین‌رفته و به کشتی‌ها و دفاتر برای اتخاذ تصمیمات آگاهانه کمک کند. این نرم‌افزارها به دلیل بهبود کارایی عملیاتی و کاهش هزینه‌های بهره‌برداری، برای شرکت‌های حمل‌ونقل ضروری هستند.

نگاهی بروضعت کسب و کارهای خانوادگی در جهان و عوامل موثر بر رشد ارزش آن‌ها



کسب و کارهای خانوادگی^۸ ماهیت کارآفرینی دارند و رهبران کسب و کارهای خانوادگی به عنوان یک کارآفرین شناخته شده و به موجب این کسب و کار تولید ثروت، توسعه تکنولوژی و اشتغال مولد را به ارمغان می‌آورند. لذا از نظر استراتژیک، کسب و کارهای خانوادگی عنصر کلیدی در رشد و توسعه اقتصادی کشورها بوده و تداوم عملکرد موفق آن‌ها تاثیر مثبتی بر اقتصاد کشور، بهبود عملکرد تجاری، برنامه استراتژیک بلندمدت و استقلال کسب و کار دارد. این تحول در صورتی امکان پذیر است که این شرکت‌ها از منظر تامین منابع انسانی، سرمایه اجتماعی و منابع مالی حمایت شوند.

کسب و کارهای خانوادگی رایج‌ترین نوع شرکت‌ها در جهان هستند دامنه فعالیت کسب و کارهای خانوادگی، شرکت‌های کوچک و متوسط تا شرکت‌های بزرگ که در چندین صنعت و کشور کار می‌کنند (مانند شرکت فورد موتورز و شرکت مک دونالد) را دربر گرفته و حدود ۶۰ تا ۹۰ درصد کل شرکت‌های جهان را تشکیل می‌دهند.

بر اساس مطالعات بین ۷۰ تا ۹۰ درصد کسب و کارها در ایران خانوادگی هستند اما در اغلب مواقع مسائل و مشکلاتی در این نوع کسب و کارها رخ می‌دهد که می‌تواند ماندگاری و حتی عملکرد آن‌ها را تحت تاثیر قرار دهد. تخمین زده می‌شود که حدود ۷۰ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان توسط کسب و کارهای خانوادگی ایجاد شده و حداقل ۶۰ درصد مشاغل در سراسر جهان را شامل می‌شوند.

طی سال‌های اخیر راه‌اندازی کسب و کارهای خانوادگی در اغلب کشورهای در حال توسعه یک رویکرد استراتژیک برای تغییر نقش دولت و کاهش مداخله آن در اقتصاد، افزایش رقابت‌پذیری، تقویت بخش خصوصی و داشتن تجارت و اقتصاد آزاد محسوب می‌شود. در ایران نیز کسب و کارهایی مانند هولدینگ گلرنگ، گروه صنعتی بوتان و شرکت‌هایی از این دست نقش شایان توجهی در اقتصاد بخش خصوصی دارند.

معروف‌ترین مدلی که از کسب و کار خانوادگی ارائه شده است مدل سه دایره‌ای تایگوری و دیویس است. این مدل، مولفه‌های موثر در کسب و کار خانوادگی را نمایان می‌سازد که از سه بعد خانواده، کسب و کار و مالکیت تشکیل شده است.

^۷ برای دریافت فایل کامل گزارش بر روی عنوان گزارش کلیک نمایید

^۸ Family-Owned Business (FOB)

این مولفه‌ها با گذر زمان دستخوش تغییر و تحول شده و پویایی‌های متفاوتی را ارائه می‌دهد. موفقیت بلندمدت سیستم‌های کسب‌وکار خانوادگی به عملکرد و حمایت متقابل هر یک از این گروه‌ها بستگی دارد.

کسب‌وکارهای خانوادگی مزایای بسیاری دارند، از جمله مزایای آن‌ها عبارتند از: ارائه محصول باکیفیت، قابلیت اعتماد بالا، بوروکراسی کمتر، تداوم سیاست‌های مدیریتی و تمرکز عملیاتی، وفاداری و مسئولیت‌پذیری بیشتر، نرخ سرمایه‌گذاری مجدد بالا، سیستمی یکپارچه و ارتباطات طولانی‌مدت قوی و آسیب‌پذیری کمتر در برابر چالش‌ها و شرایط متفاوت اقتصادی.

در سال ۲۰۲۳، ۵۰۰ کسب‌وکار خانوادگی شناخته شده و مطرح در سطح جهان، با سرعتی تقریباً دو برابر نرخ رشد اقتصادی، جوامع پیشرفته و حدود ۱.۵ برابر نرخ بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه در حال پیشرفت هستند. بر اساس این گزارش، حدود ۵۰۰ شرکت خانوادگی بزرگ حدود ۸۰.۸ تریلیون دلار درآمدزایی کرده‌اند که حدود ۱۰ درصد نسبت به سال ۲۰۲۱ افزایش داشته است.

اغلب شرکت‌های خانوادگی مورد بررسی مبتنی بر محصولات مصرف‌کننده هستند به طوری که از نظر تعداد مشاغل سهمی حدود ۳۷ درصد از مجموع کسب‌وکارهای خانوادگی مورد بررسی را به خود اختصاص داده‌اند. بخش مهم دیگری که تعداد بالایی از شرکت‌های خانوادگی در آن حضور دارند بخش تولید پیشرفته است که از حیث تعداد کسب‌وکار خانوادگی مرتبط در این بخش سهمی معادل ۲۹ درصد را به خود اختصاص داده است.

بیش از سه چهارم (۷۶ درصد) از شرکت‌های خانوادگی در شاخص کسب‌وکار خانوادگی ۲۰۲۳ بیشتر از ۵۰ سال قدمت دارند. بسیاری از این کسب‌وکارها در طول چندین نسل بر نوسانات بازار غلبه کرده و این نشان می‌دهد که شرکت‌های خانوادگی تا چه اندازه می‌توانند موفقیت و جانشینی خود را در طول زمان حفظ کنند. در بین ۵۰۰ شرکت خانوادگی بزرگ در جهان، شرکت Takenaka ژاپن با ۴۱۲ سال فعالیت، قدیمی‌ترین شرکت خانوادگی در این شاخص است. به طور کلی، ۳۱ درصد از شرکت‌ها بیش از یک قرن قدمت دارند که محل استقرار اکثریت آن‌ها (حدود ۵۷ درصد) در اروپا است. کسب‌وکارهای خانوادگی نسبت به سایر کسب‌وکارها سازگارتر و درمواجه با چالش‌های اقتصادی انعطاف‌پذیرتر بوده و به همین دلیل در طول دهه‌ها به حیات خود ادامه داده و پیشرفت‌های بزرگی را کسب کرده‌اند.

براساس آمارهای ارائه شده از سوی مکینزی بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲، بازده کل سرمایه‌گذاران (TSR) برای کسب‌وکارهای خانوادگی به طور میانگین حدود ۲.۶ درصد و برای کسب‌وکارهای غیرخانوادگی ۲.۳ درصد بوده است. در همین دوره پنج ساله کسب‌وکارهای خانوادگی به طور متوسط سود اقتصادی ۷۷.۵ میلیون دلاری را به دست آورده‌اند که از میانگین سود اقتصادی کسب‌وکارهای غیرخانوادگی که برابر ۶۶.۳ میلیون دلار بوده، بیشتر است.

کسب‌وکارهای خانوادگی با اندازه متوسط ۳۳ درصد نسبت به کسب‌وکارهای غیرخانوادگی اسپرد اقتصادی ایجاد کرده‌اند. تغییرات بین این دو گروه از کسب‌وکارها ناشی از اندازه، قدمت و سطح بلوغ شرکت‌ها بوده است. بررسی جامعه آماری مکینزی نشان می‌دهد، شرکت‌های خانوادگی با اندازه متوسط با درآمد سالانه بین ۱۵۰ میلیون دلار تا ۵ میلیارد دلار و سرمایه‌گذاری کارآمدتر (۱۰ درصد سرمایه در گردش بالاتر)، از عملکرد بهتری نسبت به کسب‌وکارهای غیرخانوادگی برخوردار هستند.

کسب‌وکارهای خانوادگی با اندازه‌های بزرگ در جامعه آماری مکینزی، با درآمد سالانه بین ۵ تا ۱۰۰ میلیارد دلار، در مدیریت و اجرا کارآمدتر هستند به طوری که در پنج سال گذشته ۱.۵ درصد حاشیه سود عملیاتی بالاتری نسبت به کسب‌وکارهای غیر خانوادگی ایجاد کرده‌اند.

مکینزی چهار تفکر و پنج اقدام استراتژیک را معرفی کرده و بیان می‌دارد در صورتی که کسب‌وکارهای خانوادگی در سراسر جهان این تفکرات و اقدامات استراتژیک را سرلوحه کسب‌وکار خود قرار دهند، این فرصت را دارند که ارزش خود را طی پنج تا ده سال آینده چهار برابر، عملکرد بازار خود را تقویت و انعطاف‌پذیری خود را افزایش دهند. برآورد مکینزی حاکی از این است که بهره‌مندی از فرمول ۵+۴ (۴ تفکر و ۵ اقدام استراتژیک) می‌تواند ۲.۵ تا ۵.۵ برابر افزایش سود اقتصادی برای کسب‌وکارهای خانوادگی ایجاد کند.

مکینزی چهار طرز فکر سازنده حاکم بر کسب‌وکارهای خانوادگی با عملکرد بهتر را به شرح زیر بیان می‌دارد: (۱) این کسب‌وکارها بر هدفی فراتر از سود متمرکز هستند. (۲)؛ این کسب‌وکارها دیدگاه بلندمدت داشته و مجدد در کسب‌وکار سرمایه‌گذاری می‌کنند. (۳) این کسب‌وکارها از نظر مالی محافظه کار بوده و در مورد بدهی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های پرخطر محتاطانه عمل می‌کنند. (۴) فرآیندهای داخلی این کسب‌وکارها، امکان تصمیم‌گیری کارآمد را فراهم می‌کند.

بهترین و موفق‌ترین کسب‌وکارها چهار طرز فکر سازنده فوق را با پنج اقدام استراتژیک ترکیب می‌کنند که آن‌ها را متمایز از سایر کسب‌وکارهای خانوادگی و غیرخانوادگی می‌سازد. این پنج اقدام به شرح زیر است: (۱) این کسب‌وکارها به طور فعال پرتفوی خود را متنوع می‌کنند. (۲) این کسب‌وکارها به صورت پویا منابع را تخصیص مجدد می‌دهند. (۳) این کسب‌وکارها سرمایه‌گذاران و مدیران کارآمدی هستند. (۴) تمرکز بی‌وقفه‌ای بر جذب، توسعه و حفظ استعدادها دارند. (۵) این کسب‌وکارها به طور مستمر حکمرانی خود را بررسی می‌کنند.

با توجه به آنچه در این گزارش به آن پرداخته شد می‌توان استنباط کرد که کسب‌وکارهای خانوادگی با ویژگی‌هایی برجسته و متمایز از جمله رهبران، منابع انسانی، منابع مالی و زمینه‌های آموزشی و فرهنگی گزینه مناسبی برای حمایت از جریان‌های اشتغال‌زایی، کارآفرینی و کسب‌وکارهای نوپا هستند. این نوع از کسب‌وکارها به دلیل ساختار حاکمیتی منحصر به فردی که دارد، شرکت را قادر می‌سازد که با پذیرفتن برخی از ریسک‌ها، زمینه‌های لازم برای ایجاد مشاغل و شرکت‌های جدید را فراهم نموده و از این مسیر باعث اشتغال مولد چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های بعدی را پدید آورند.